



آیا شیوه کار کردن ما برای همیشه تغییر می‌کند و دیگر مانند گذشته نخواهد شد؟

آینده کار از هر جایی



رضا قربانی
روزنامه‌نگار فناوری

آیا کار در یک محل مشخص و جلسه‌های حضوری جایش را به دورکاری در خانه و جلسه‌های آنلاین می‌دهد؟ «آیا واقعاً لازم است کنار هم در شرکت جمع شویم تا کارمان را انجام دهیم؟» به نظر می‌رسد تا چند سال پیش پاسخ بسیاری به این سؤال نه بود؛ ولی اکنون به نظر می‌رسد خیلی‌ها متوجه شده‌اند که می‌توانند یکجا جمع نشوند و با هم کار کنند. افراد، تیم‌ها و همه کسانی که کار می‌کنند می‌توانند پراکنده باشند و کارشان را هم بخوبی انجام دهند. ولی اکنون سؤال‌های جدیدی پیش روی ما قرار گرفته است: آیا شرکت‌هایی که کاملاً به‌صورت دورکاری فعالیت می‌کنند یا بخش مهمی از کارشان را به‌صورت دورکاری انجام می‌دهند آینده سازمان‌ها هستند؟ آیا دورکاری آمده که بماند؟

شکی نیست که این مدل از کار کردن مزایای قابل توجهی هم برای کسب‌وکارها و هم برای کسانی که کار می‌کنند دارد. حالا سازمان‌ها می‌توانند هزینه‌های مربوط به ملک را کاهش داده و حتی حذف کنند. حالا کسب‌وکارها می‌توانند از سراسر جهان نیروهای با استعداد را استخدام کنند. برای کار کردن در کمپانی‌های جهانی لزوماً نیازی به مهاجرت نیست. پژوهش‌ها هم نشان می‌دهند که با دورکاری بهره‌وری پرسنل افزایش پیدا می‌کند. حالا پرسنل شرکت‌ها می‌توانند هر جایی که دوست دارند زندگی کنند و برای هر کمپانی در هر نقطه‌ای از دنیا کار کنند. این یعنی انعطاف‌پذیری بالاتر برای همه. احتمالاً رفت‌وآمدها هم کاهش پیدا می‌کند و افراد شاید بتوانند بهتر بین کار و زندگی‌شان تعادل برقرار کنند.

همه‌چیز به این زیبایی که تصویر شد نیست؛ نگرانی‌هایی هم وجود دارد. مواردی مثل ایده‌پردازی و حل مسأله، به اشتراک گذاشتن دانش، روابط اجتماعی، همراهی و همدلی، راهنمایی‌کردن، ارزیابی عملکرد و پاداش دادن و امنیت داده‌ها و مقررات مربوط به آن‌ها هنوز گنگ و مبهم است. با وجود این مسائل پاندمی کرونا باعث شد ذهن رهبران باز شود که دورکاری را برای همه یا بخشی از پرسنل خود استفاده کنند. حالا شرکت‌های زیادی در جهان دورکاری را پذیرفته‌اند. برخی هم که امسال مجبور شدند از دورکاری استفاده کنند، در حال تصمیم‌گیری در مورد این موضوع هستند که در بلندمدت از کدام مدل کاری استفاده کنند.



آیا بعد از پیدایش واکسن همگانی، دوباره آیین‌ها و شعائر و رسومات حوزه آموزش احیاء خواهند شد؟

دانشگاه در عصر پساجدید



سید جواد میری
جامعه‌شناس

اگر به تاریخ اجتماعی اپیدمی‌ها در جهان بنگریم یک نکته غیر قابل انکار است و آن نکته این است که اپیدمی‌ها تلفات شدیدی بر جوامع وارد می‌کنند، بر نتایج جنگ‌ها تأثیر بنیادین دارند، اما البته، به صورت پارادوکسیکال، راه را برای ابداعات نوین و بسط شگفت‌آور علوم و تغییر در نظام‌های اقتصادی و سیستم‌های سیاسی و حتی نظام باورها به‌وجود می‌آورند. حال اگر از این منظر به دانشگاه و نظام آموزش بنگریم آیا می‌توان تأملی انتقادی در این باب داشت؟

اما پیش از اینکه بتوانیم تأملات خود را صورتبندی کنیم، نیاز داریم یک مفهوم کلیدی را تشریح کنیم تا بحث‌های‌مان در مورد دانشگاه و نظام آموزشی درست درک شود. عصر «پساجدید» یعنی چه؟ آیا این مفهوم صورت دیگری از مفهوم «پسامدرن» است که برخی آن را در تقابل با مدرن و مدرنیته و برخی دیگر در امتداد مدرن و مدرنیته مفصل‌بندی تئوریک کرده‌اند یا به کل مفهومی آلترناتیو است که برای مفهومینه کردن



ممکن است بگویید بعد از پیدایش واکسن همگانی، دوباره آیین‌ها و شعائر و رسوم احیا خواهند شد ولی شعائر تا زمانی کارکرد دارند که شما نسبت به آنها خودآگاهی ندارید بلکه بر اساس سنت و باور ناخودآگاه به شعائر ملتزم هستید و به مجرد اینکه دریافتید که می‌شود آنها را کنار گذاشت و کماکان دانش فرا گرفت و آموزش داشت آنگاه «چیزی» شکسته می‌شود و آن «چیزی» که شکسته شده است دوباره قابل احیا نیست

کنیم آنگاه درخواهیم یافت که این دو «میدان انباشت شعائر» هم هستند و در عصر پساجدید این ساخت شعائر و رسوم و آیین‌های سمبلیک (کلاس و میز و صندلی و کتاب و معلم و نمره و امتیاز و حضور و غیاب و کدهای پوششی و آرایشی و تکلیف و مشق و ساعت کلاس و پرسش و آزمون و تقلب و ...) همگی به یکباره فرو ریختند.

ممکن است بگویید بعد از پیدایش واکسن همگانی، دوباره آیین‌ها و شعائر و رسوم احیا خواهند شد ولی یک نکته را نباید در باب شعائر فراموش کرد و آن این است که آنها تا زمانی کارکرد دارند که شما نسبت به آنها خودآگاهی ندارید بلکه بر اساس سنت و باور ناخودآگاه به شعائر ملتزم هستید و به مجرد اینکه دریافتید که می‌شود آنها را کنار گذاشت و کماکان دانش فرا گرفت و آموزش داشت آنگاه «چیزی» شکسته می‌شود و آن «چیزی» که شکسته شده است دوباره قابل احیا نیست. به دیگر سخن، وقتی شما شعائر را به معنای مقررات و قواعد و دستور ببینید، آنگاه جهان معنایی که این شعائر به آنجا اشارت داشت قابل احیا نخواهد بود. این سخن بدین معناست که علم و نهاد علم و دانشگاه و مدرسه جهانی از هنجارها و نرم‌ها و نرمالیه در عصر جدید ایجاد کرده بودند و همگی چنین می‌پنداشتند که این تنها صورت ممکن آموزش است ولی فروپاشی یا تعلیق حالیه آن نشان داد که این صورت جدید صرفاً صورتی از صور تاریخی است که دورانش به سر رسیده است. هنگامی که انسان به این شعور وجودی وجدان پیدا می‌کند، شعائر پیشین رنگ می‌بازند و او خود را در «آستانه» می‌بیند. ما اکنون در آستانه هستیم. این آستانگی هم فرصت است و هم تهدید.

وضع نوین بشری ابداع شده است؟ مفهوم پساجدید مترادف با پسامدرن یا مدرنیته نیست بل ابداع این مفهوم تلاشی است برای درک وضعیت نوینی که بر بشریت حادث شده است و محتوایش این است که مدرن و پست‌مدرن از منظر اروپامدارانه بر وضعی اطلاق می‌شد که در آن (مبتنی بر چشم‌انداز انسان اروپایی) جهان بشری دستخوش تحولات تمدنی کلانی شد و مهم‌ترین مؤلفه این تحولات -برخلاف آنچه در تاریخ نگاری‌های استاندارد نوشته شده است که سخن از انقلابات علمی و سیاسی و صنعتی زده می‌شود- مفهوم «نرمالیه» بود. به عبارت دیگر، از منظر ایرانی جهان به عصر مدرن و پست مدرن تفکیک نمی‌شود بلکه تحولات ۳۰۰ ساله (و به اعتباری ۵۰۰ ساله) یوروستریکی بنای «عصر جدید» را تشکیل می‌دادند و دستاورد بزرگ این عصر جدید طرز تلقی انسان از مقوله نرمالیه بود که موجب شده بود آدمیان و جوامع بشری در همه عالم پیگیر این باشند که «وضع غیرنرمال» خود را مطابق با «نرمالیه جدید» در همه ساحات بشری بازتعریف کنند و این بازسازی در تاریخ ایران قدمتی ۲۰۰ ساله دارد اما اکنون ما با پایان عصر جدید روبه رو شده‌ایم و پیش روی ما و جهان بشری عصری نوین در انتظار است.

اما پرسش اینجاست که نام این عصر چیست؟ برخی سخن از وضعیت کروناپی یا عصر پساکروناپی به میان می‌آورند اما این صورتبندی اپیدمیولوژیک تقلیل‌گرایانه است و نمی‌توان هستی انسانی و آنتولوژی جامعه را ذیل مفاهیم مدیکال صورتبندی کرد. حال در این وضع «پساجدید» ما در «موقعیت بینابینی» قرار گرفته‌ایم که نرمالیه جدید پاسخگو نیست ولی همزمان نرمالیه